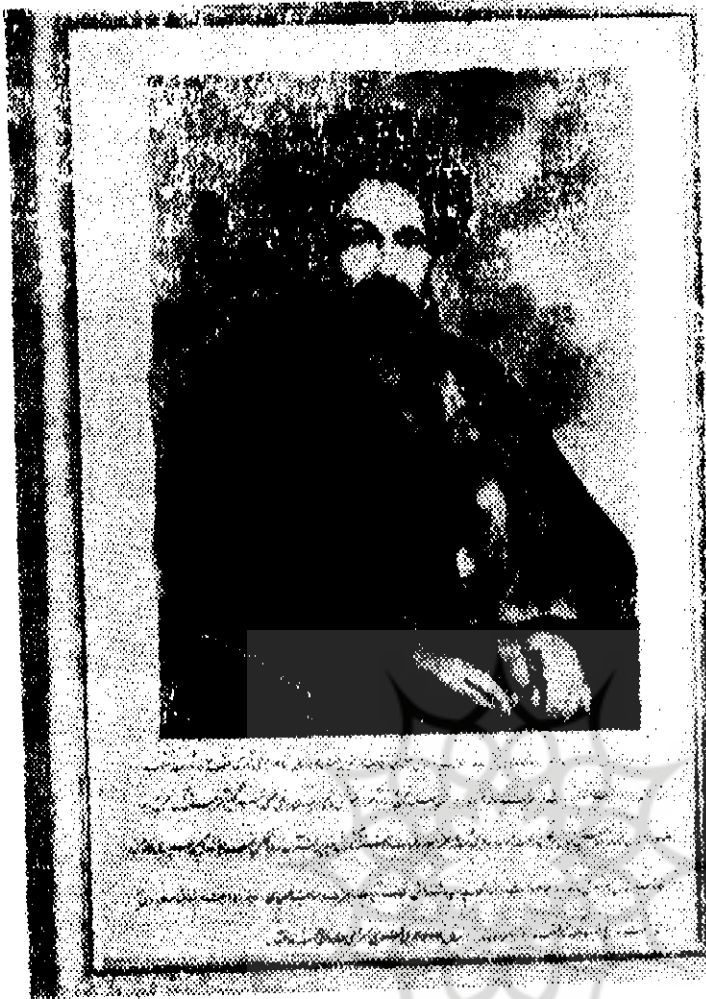


ذکر نصره اندکاسی



سید محمد بقا
شرف المعالی

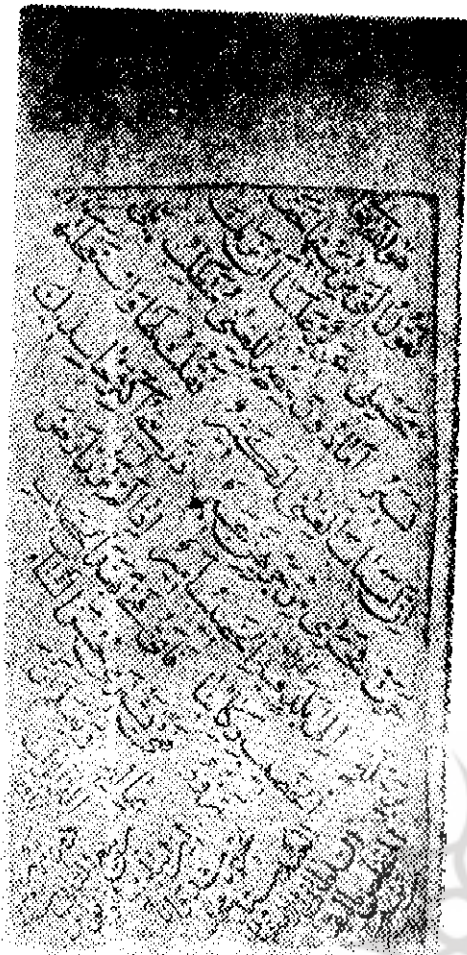
مؤسس نخستین انجمن
ادبی در قرن اخیر

یکی از شاعران و خوشنویسان میانه قرن سیزدهم و چهاردهم هجری قمری مرحوم سید محمد بقا ملقب بشرف المعالیست که مختصری از شرح حال او در کتب تاریخ عصر قاجار و بعد از آن مسطور است .

محمد حسن خان اعتماد السلطنه وزیر انطباعات او اواخر دوره ناصری در صفحه ۲۰۲ المآثر و الآثار می نویسد: «آقا سید محمد خطاط اصفهانی مشهور به تخلص بقا و ملقب باشرف الکتاب قلم نسخ بر خطوط اکثر صنایع اساتید نسخ نویس عصر کشیده امروز صاحبان خزائن خطوط و مکاتیب ممتازه من حیث الاقلام در دارائی قران بخط وی با هم مفاخره مینمایند و در تاریخ تألیف این کتاب مقیم دارالخلافة تهران است و در نظم شعر نیز بفتونه از مشاهیر زمان.

سید مصباح الدین مهدوی در صفحه ۱۴۹ شماره ۲۰۶ تذکره القبور با دانشمندان

و بزرگان اصفهان چنین آورده است : «آقا سید محمد فرزند سید محمد صادق موسوی خطاط ادیب و شاعر متخلص به بقا در ۱۰ ذی الحجه سال ۱۲۵۷ متولد و در ۲۹ ربیع الاول سال ۱۳۳۱ در تهران وفات یافته در مآثر و الآثار درباره او گوید....»



نمونه خط نسخ بقا

مرحوم شیخ علی عبدالرسولی استاد دانشگاه تهران در مقدمه دیوان سیدالشعرا و ابداع- الادبا و افضل الحکما مرحوم علامه سیداحمد ادیب پیشاوری رحمه الله علیه که بسال ۱۳۱۲ در تهران چاپ کرده است می نویسد : « ادیب در این ایام گاهی بر سبیل تفنن در انجمن شعرا که بهفته ای یکبار در خانه استاد من بنده سید محمد بقا انعقاد می یافت حاضر می شد و من نیز حضور داشتم . نخستین شعری که از وی بدست آوردم قصیده ایست که روزی خود در آن محفل قرائت فرمود :

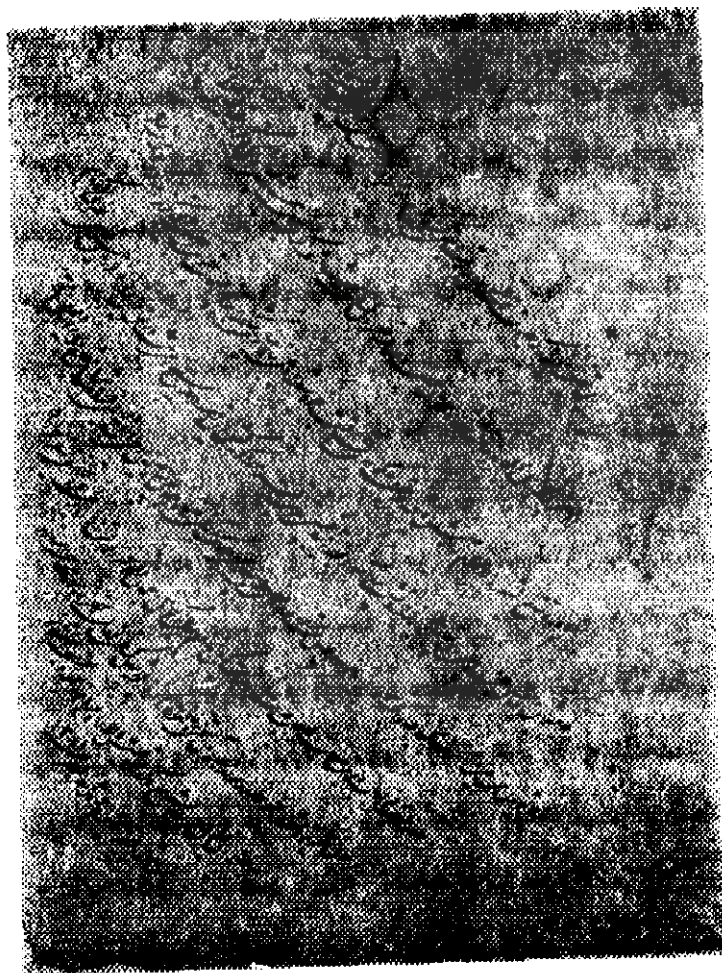
تایید بر میان چو کمر زلف تابدار بر نیمه تار بسته مه من هزار تار

«ناصرالدین شاه قاجار چون صیت فضائل وی بشنید بملاقاتش رغبت جست و اورا به حضور خود خواند باتفاق سید محمد بقا بحضور شاه رفت و مورد الطاف شد.»
«اولین ملاقات من بنده با مرحوم ادیب در حدود ۱۳۱۵ هجری در انجمن اتفاق افتاد و با آنکه بنده در آنوقت مانند حال در دبستان ادب طفل ابجد خوانی بودم و در خدمت سید محمد بقا بمشق خط نسخ اشتغال داشتم، گاهی در ملازمت سید محمد بقا در انجمن حاضر میشدم و اتفاقاً درك خدمت ادیب میگردم.»

خود بقا در دیباچه کتاب آیات باهرات و مناقب خسروی، از مؤلفات خود، پس از «حمد و ستایش یزدان پاک و نعت و درود بر خواجه لولاک و آل طاهرین و صلوات الله علیهم اجمعین و شکر نعمت وجود سلاطین با داد و دین» و مدح ناصرالدین شاه مینویسد: «چون در اینسال فرخنده فال ۱۳۱۱ هجری قمری، داستان اعجاز واقعه در شهر بادکوبه

بنحوی که در طی اوراق بنظم یادکرده شده ثابت و محقق گردید هر چند مناقین و معاندین دین مبین... خواستند بجعل اکاذیب متشاکله و طرح اراجیف متماثله تخیلی و ورزند و این واقعۀ محققه را در آن عداد اندازند... روز بروز ظهور و بروز آن بیشتر و لمعان و فروغش بر افزودن گرفت... ابن پرورده نعمت و دولت خسروانی سید محمد بقا تخلص اصفهانی که در سابق ایام بلقب اشرف الکتاب ملقب و در این اوان نیز بلقب نبیل شرف المعالی مخاطب و مفتخر گردید این داستا ترا با تهمید مقدمات و تأسیس اساس بقدری که خاطر امر مربوط برد و گنجایش داشت که در سلك نظم یادکرده آید لباس وزن پوشانید.

محمود خان ملك الشعرا که خود از شاعران قوی مایه و بلند پایه دوران ناصریت، در تقریض اشعار این کتاب شرحی نگاشته که چون آیتی از فصاحت و بلاغت و بالتمام بخط خوش و زیبای خود بقامت کلیشه میشود که از لحاظ صورت و سبک و لفظ و معنی در خور خواندن و دیدن است.



کلیشه تقریض محمود خان ملك الشعرا

دوست عزیز القدر و مغتنم الوجود من، آقای میر محمد حسن امیر شرفی بدر، پسر

شرف‌المعالی بقا که خلف‌الصدق آنمرحوم و درختی کشن و سایه گستر و شاخی برومند و بارور از این شجره و در مردم‌داری و دوست پروری مردی ثابت قدم و در دستگیری از افتادن و درماندگان و حمایت از مظلومان و بیچارگان و جود و مغفمت است در مقدمه تجدید طبع کتاب آیات باهرات که بخط خوش‌نسخ و نستعلیق محمد رضا متخلص بصفا و ملقب بسلاطین‌الکتاب است چنین می‌نویسد: « نظر باینکه این مخلص صمیمی و چاکر قدیمی در موقع رحلت شادروان پدرم سید محمد بقا شرف‌المعالی و رئیس انجمن شعرا و فضلا نود سال پیش در تهران صغیر بودم نتوانسته‌ام کتابخانه آن جنت‌مکان را حفظ‌نمایم و این کتابشان نیز ازین رفته بود. اینک با تقدیم نسخه از آن امیدوارم موفق شوم دیوانی که از ایشان باقی مانده در آینده چاپ نموده و از نظر مبارکتان بگذرانم. ضمناً تصدیق میدهد، از خط ایشان که دو نمونه‌اش در دو صفحه بعد می‌باشد، صدها نمونه در موزه خط اینجانب موجود است ... در موزه خط اینجانب خطوط بیشتر خوشنویسان ایران از قبیل یاقوت مستعصمی، نورالدین محمد رازی، محمد تبریزی، گلستانه، محمد شفیع تبریزی، احمد تبریزی، آقا ابراهیم قمی، حسن کرمانی، میر عماد، درویش عبدالمجید، علی مشهدی، معتمدالدوله نشاط، اشرف‌الکتاب، مجیر اصفهانی، محسن اصفهانی، استاد زین‌العابدین اصفهانی، شفیعا، محمد زمان صبا محفوظ است...»

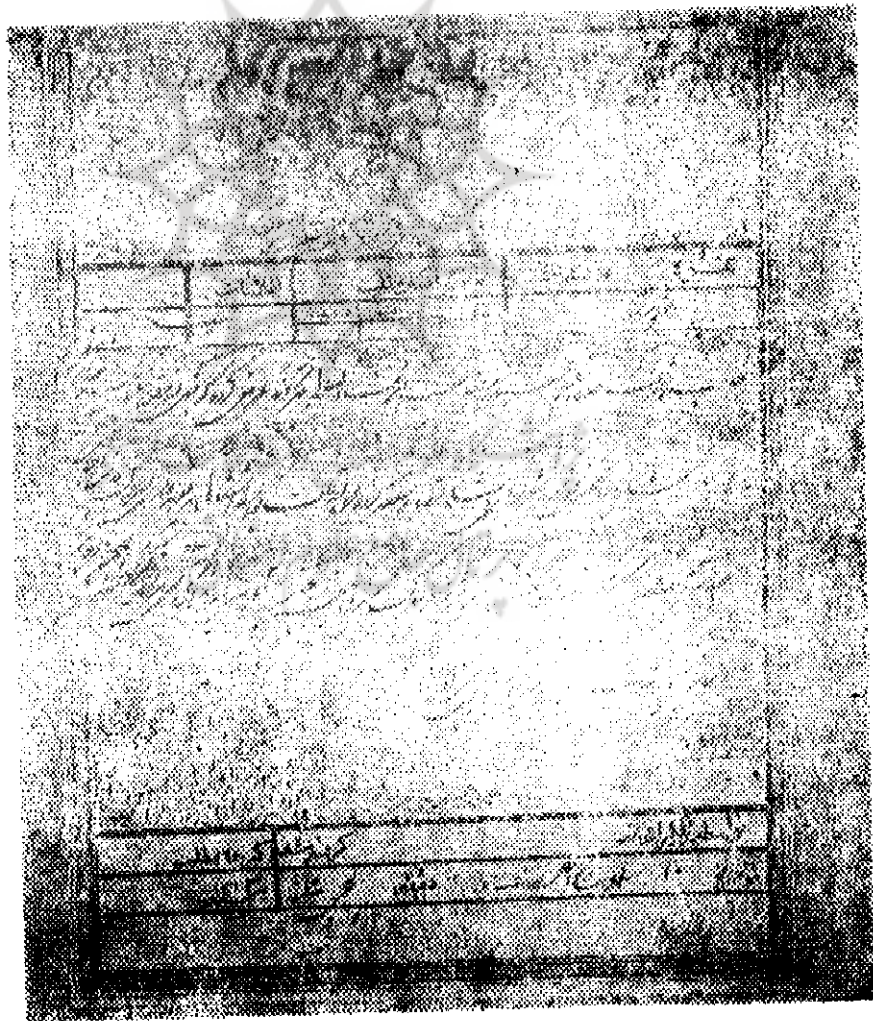
بنابراین آقا سید محمد بقا نخست ملقب باشرف‌الکتاب و بعد بشرف‌المعالی و متخلص به اصفهانی یا بقا، فرزند سید محمد صادق موسوی نقیب‌السادات پروشانی، در دهم ذی‌الحجه سال ۱۲۵۷ هجری قمری متولد و در ۲۹ ربیع‌الاول سال ۱۳۳۱ هجری در تهران وفات یافت. وی از شاعران و خوشنویسان نیمه دوم قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم هجریست که خط و بخصوص نسخ و رقاع و ثبت و وارونه نویسی ثلث را بسیار زیبا می‌نوشته و از زمره خطاطان و استادان مشهور و بنام بشمار میرود. شعرا نیز نیکو میسرود. چنانکه مشهور است صد و پنجاه بیت در بحر تقارب ساخته و پرداخته او در شاهنامه فردوسی چاپ امیر بهادری درج است که ۹۱ بیت آن در داستان رودابه است. از همه مهمتر اینکه او مؤسس نخستین انجمن ادبی است که در نود سال پیش در خانه خود واقع در خیابان بوعلی فعلی منعقد کرده بود و ادبا و شعرا در آن فراهم می‌آمدند. انجمن مزبور پس از تیر خورده دن ناصرالدین شاه و در گذشت او باقتضای

موقع وزمان تعطیل شدولی بقابردوام انجمن علاقه داشت از آنرو عریضه‌ای بمظفرالدین شاه نوشت و شاه فرمانی بصدر اعظم صادر و صدراعظم با اجازه افتتاح مجدد داد. عین این فرمان ودستور صدراعظم که جنبه تاریخی دارد در اینجا کلیشه میشود. ۲.

اینک چند بیت از یک قصیده مندرج در کتاب آیات باهرات و مناقب خسروی انتخاب میشود:

هر نوی کاندرد جهان بینی شود روزی کهن
عقل کل، ختم رسل، شمع سبیل، شاهی که شست
این همان آب است کز روی یافت حضرت ارض علم
گشت جاری چشمهای عذب از او، در شرق و غرب
باز گشت هر چه حکمت زری کلام این نبی است
در تمامی دین او شد ناسخ هر دین، که هست
چون خدا دین هدی را کرد در اسلام حصر
تا بر او نقصی نیاید وارد از طول زمان
هر زمان از آیتی بزاید از وی رنگ شرک

جاودان تازه است ونو، دین رسول مؤتمن.
چشم گیتی را، بآب وعظ وتوحید از وسن.
رست از اوصدق ومعنی، جای سوری وسمن.
روزبه در پارس خورد از او، او یس اندر قرن.
هست، آری، سوی چنین باز گشت هر رسن.
فرض او بهتر فرایض، سنتش بهتر سنن.
بایدش کردن سیانت از همه شرک و فتن.
تا بسر او وهنی نیابد راه از بعد زمن.
تیغ را ناچار گاهی حاجت افتد با مسن.



کلیشه فرمان شاه

(۱) متن کلیشه تقریض ملک الشعرا

این قصیده فریفته که بصورت قوت روح است و بمعنی سرمایه فتوح در خاطر عاظم ادیب و فاضل لیبب شمس سماء المکارم و المفاخر و نجم افق المحامد و المآثر نقاوه دودمان عصمت و خلاصه خاندان کرامت اشرف الکتاب جناب مستطاب بقالازال ذکره باقیاً ببقاء اللیالی و الايام و تتابع الشهور و الاعوام تراوش یافته در حقیقت گوهری است بمثقب خرد سفته و باغی بباد بهاری شکفته چنانچه اصحاب خبرت و بصیرت در نگرند دانند که خاطر آنجناب را در نشر این داستان عجیب و طی این بیابان پرفراز و نشیب مدد آسمانی بوده و تأیید غیبی تقویت فرموده و گرنه گفتن این قصه در حد هیچ دمی نیست و رفتن این راه اندازه هیچ قدمی هدی المکارم لا ثوبان من یمن خیط بنخیط فعاد بعد اسمالا و سزاوار چنان است که بعد از امضای رای بیضا ضیای ممالک آرای شاهنشاه جهان و پناه عالمیان روحی و روح العالمین فذاه شمول انتفاع را بزبور انطباع محلی دارند تا هر یک از ارباب رؤیت و روایت و اصحاب دریت و درایت که رنج علم را بر گنج مال رجحان داده اند و دولت باقی را بر نعمت فانی تفضیل نهاده نسخه از آن چون تعویذ و نشره با خود دارند و هر روز بمطالعه آن بهجتی تازه و لذتی بی اندازه یافته بیان کرامت توأمان آنجناب را اسوه فصاحت سازند

و رجائی ان یطول عمره و یشیع ذکره حتی تقیس الابداء من انوار جوده و تقطیف الفضلاء من ائمار وجوده تحریراً فی شهر صفر المظفر سنه ۱۳۱۱

(۲) متن کلیشه فرمان شاه

دستخط مبارک. المثنی است

جناب اشرف صدر اعظم سید محمد بقا ملقب بشرف المعالی تلگرافا عرض کرده که قبل از مقدمه شاه شهید نورالله مضجعه در خانه مشارالیه انجمنی از ادبا شعرا برای انشاء قصاید منعقد بوده این اوقات بواسطه اشتغال به تمزیه داری متروک مانده اجازه خواسته است که مجلس مزبور مجدداً منعقد شود از این فقره خاطر مبارک مسبوق نیست جناب شما بهتر میدانید اگر مانعی ندارد انجمنی ادبیه را اجازه تجدید بدهید ۱۴ شهر ذی الحجه الحرام بیجئیل سال ۱۳۱۳ مهر تلگرافخانه مبارکه با شیر و خورشید دستور صدر اعظم در زیر دستخط، البته باز هم کما فی السابق مشغول باشند ضرری برای دولت ندارد البته تشویق دانش علوم و ادبیات ممدوح است.